

پرسش ۲۵۸: سوال در مورد وضو، نماز، روزه، زکات و خمس.

السؤال / ۲۵۸: بسم الله الرحمن الرحيم، سيدي العزيز .. تحية طيبة وبعد

لدي أسئلة أتمس الإجابة عليها:

السؤال الأول: هل تسلسل أعمال الوضوء واجب؟ أم من الممكن تقديم أو

تأخير غسل أو مسح؟

بسم الله الرحمن الرحيم، سيد عزيزم.... تحيت پاک بر تو باد و اما بعد

چند سوال براييم مطرح است که عاجزانه درخواست پاسخ دارم:

سوال ۱: آیا پی در پی بودن اعمال وضو واجب است؟ یا می توان در شستن و یا مسح

کشیدن تقدم و تاخر ایجاد کرد؟

السؤال الثاني: قال الله تعالى: (إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ

إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ) ([189])، الأرجل هنا منصوبة

بالفتحة، وهي مفعول به معطوف على الوجوه والأيدي؛ ولذلك فأنا أفهم أنها يجب

أن تغسل. أما المسح فهو للرؤوس فقط. إلا أنني عندي التباس آخر فقد يكون

المقصود امسحوا برؤوسكم (رؤوس الأصابع) وأرجلكم أي امسحوا برؤوس

أصابعكم أرجلكم (الواو جاءت هنا للتوكيد أي مثل وإياك وإيانا وإياكم .. الخ)،

وبذلك فما هو حكم مسح الرأس؟

سوال ۲: خدای متعال می فرماید: « چون به نماز برخاستید، صورت، و

دست های تان را تا آرنج بشویید و سر، و پاهایتان را تا دو قاب مسح کنید » ([190]).

«ارجل» (پاها) در این آیه منصوب به فتح است در حالی که مفعول به و معطوف به

«وجوه و ایدی» است؛ بنابراین این گونه می فهمم که شستن آن مانند صورت و دستها

واجب است و مسح فقط برای سر می باشد. مگر این که تعبیر دیگری هم بتوانیم داشته

باشیم به این صورت که منظور از «امسحوا برؤوسکم» (سرهایتان را مسح کنید) سر

انگشتان باشد و «پاهایتان» یعنی «سرهای انگشتان پاهایتان را مسح کنید» (و «واو»

در اینجا برای تاکید آمده است مثل «و ایاک»، «و ایانا» و «و ایاکم» و ...؛ در این صورت، قضیه‌ی مسح سر چه می‌شود؟

السؤال الثالث: ما حکم جمع الصلوات ؟ إن كان بالإمكان أداء كل صلاة في وقتها، فهل هذا هو مفضل أم الجمع أولى ؟

سوال ۳: قضیه جمع کردن بین نمازها چگونه است؟ اگر بتوان هر نماز را در وقت خود به جا آورد، آیا بهتر است آنها را جدا بخوانیم یا به هم وصل کنیم؟

السؤال الرابع: ما حکم السجود على التربة ؟ هل هو واجب ؟ أنا أسجد على سجادة مصنوعة من الحصير وليس على التربة ولكي تكون مساجدي السبعة على الحصير مما لا يؤكل ولا يلبس فما حکمكم هل الصلاة باطلة ؟ إن لم تكن على تربة ؟

سوال ۴: حکم سجده بر تربت چیست؟ آیا واجب است؟ من بر سجاده‌ای از حصیر سجده می‌کنم و سجده‌ام بر تربت نیست و محل‌های هفت‌گانه‌ی سجده‌ام بر حصیری می‌باشد که نه خورده و نه پوشیده می‌شود، حکم شما چیست؟ آیا نمازها باطل است، اگر بر تربت نباشد؟

السؤال الخامس: أنا أود السؤال حول اختلاف المسلمين على الرؤية الشرعية للهلال. ومن نتبع ؟ هل يجب على كل مسلم رؤية الهلال بأمر عينه حتى يتأكد ؟

سوال ۵: این سوال مربوط به اختلاف مسلمانان در رویت شرعی هلال می‌باشد؛ از چه کسی پیروی کنیم؟ آیا بر هر مسلمان واجب است که خودش هلال ماه را رویت کند؟

السؤال السادس: قال تعالى: (اتَمُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ) ([191])، فما المقصود بهذا الوقت؟ هل هو ظهور أول نجم في السماء إعلاناً عن دخول الليل فيفطر الصائم.

سؤال ٦: خدای متعال می فرماید: «اتَمُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ» ([192]) (روزه را تا هنگام شب، به پایان برسانید)؛ منظور از این وقت چیست؟

السؤال السابع: قال تعالى: (حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى) ([193])، ما هي الصلاة الوسطى؟

سؤال ٧: خدای متعال می فرماید: «حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى» ([194]) (بر نمازها و نماز وسطی محافظت کنید)؛ نماز وسطی چیست؟

السؤال الثامن: عن الزكاة والخمس: إن ذكر الزكاة في القرآن اقترن بالصلاة، أما الخمس فقد ذكر مرة واحدة فقط. فهل يجب على المسلم دفع زكاة أمواله جميعها سنوياً أم دفع الخمس عن الزيادة عن رأس المال؟ أو كلاهما؟

أنا في كل رمضان أحسب مالي ومجوهراتي وأدفع زكاتها إن كانت أعلى من النصاب وأتأكد من قيمة النصاب في كل سنة. وأحرص على دفعها للمستحقين من المسلمين (شيعة أو سنة) فهل هذا فيه خطأ؟

أتمس منكم الإجابة على هذه الأسئلة التي تورقني، وإلى اللقاء في مجموعة أخرى من الأسئلة جزاكم الله خير الجزاء.

المرسلة: فداء حسين أحمد

سؤال ٨: درباره‌ی زکات و خمس: در قرآن ذکر زکات همراه با نماز می باشد، ولی خمس فقط یک بار آمده است. آیا بر مسلمان واجب است که زکات مال را سالانه بپردازد یا فقط خمس سالانه از زیادی کسب لازم است؟ یا هر دو؟

من در هر ماه رمضان اموال و جواهراتم را محاسبه می کنم و اگر از حد نصاب بیشتر باشد، زکات آن را می پردازم و قیمت حد نصاب را در هر سال محاسبه می کنم. دقت

می‌کنم که آن را به نیازمندان مسلمان برسانم (شیعه یا سنی) آیا در این روش، خطایی وجود دارد؟

از شما خواهش دارم پاسخ‌های این مسایل را مرقوم برمایید. تا دیدار بعدی در مورد مسایل دیگر. خداوند به شما نیکوترین پاداش را بدهد!

فرستنده: فداء حسین احمد

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

ج س ۱:

الأولى: الترتيب واجب في الوضوء، يبدأ غسل الوجه قبل اليمنى، واليسرى بعدها، ومسح الرأس ثالثاً، والرجلين أخيراً. فلو خالف، أعاد الوضوء - عمداً كان أو نسياناً - إن كان قد جف الوضوء، وإن كان البلل باقياً، أعاد على ما يحصل معه الترتيب.

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً.

جواب سوال ۱:

اول: ترتیب در وضو واجب است. شستن صورت پیش از دست راست، و دست چپ پس از آن، و سوم مسح سر و در آخر مسح دو پا. اگر از روی عمد یا فراموشی خلاف این بنماید، اگر آب وضو خشک شده باشد، باید وضو را دوباره بگیرد ولی اگر آبی از وضو باقی باشد، از جایی که ترتیب، حفظ می‌شود، باید تکرار نماید.

الثانية: الموالاة واجبة، وهي أن لا يفصل بين الغسلتين والمسحتين بفواصل يخرجها عرفاً عن كونها عمل واحد وهو الوضوء، فإذا غسل وجهه بادر إلى غسل يديه ثم بادر إلى مسح رأسه ثم بادر إلى مسح رجليه دون تواني أو إهمال.

دوم: موالات (بدون وقفه انجام دادن) واجب است و نباید فاصله‌ی بین شستن صورت و دست‌ها و مسح سر و پا، بیش از حد عرف شود به طوری که آن را عمل واحد به عنوان وضو، حساب نکنند. بنابراین وقتی صورت را شست، به شستن دست‌ها بپردازد، سپس به مسح سر مشغول شود و سپس به مسح دو پا بپردازد بدون اینکه سستی و اهمال نماید.

الثالثة: الفرض في الغسلات مرة واحدة، والثانية سنة، والثالثة بدعة، وليس في المسح تكرار.

سوم: واجب در شست‌وشوی صورت و دست‌ها یک بار است؛ بار دوم مستحب و بار سوم بدعت است ولی در مسح تکرار، جایی ندارد.

الرابعة: يجزي في الغسل ما يسمى به غاسلاً، وإن كان مثل الدهن. ومن كان في يده خاتم أو سير، فعليه إيصال الماء إلى ما تحته. وإن كان واسعاً، استحب له تحريكه.

چهارم: در شستن‌ها، استفاده از هر چیزی که به آن شوینده گفته می‌شود، جایز است حتی اگر مثل روغن به نظر برسد. کسی که حلقه یا انگشتری در دستش داشته باشد، واجب است که آب را به زیر آن برساند حتی اگر انگشتر گشاد باشد و مستحب است که آن را حرکت دهد.

ج س ۲: إذا كان بحسب قواعد العربية التي وضعها الناس فإنّ العطف على الأقرب هو الصحيح، فتكون قراءة الكسر هي الصحيحة وليس الفتح، وإن اخترتي الفتح، فتكون معطوفة على محل (برؤوسكم) فإنها بمحل نصب مفعول.

جواب سوال ۲: اگر برحسب قواعد عربی باشد که مردم آن را وضع کرده‌اند، عطف بر عبارات قبلی صحیح است؛ بنابراین قرائت کسر، صحیح است و فتحه درست نیست و اگر فتحه را انتخاب کنی، معطوف به «برؤوسکم» (به سرهایتان) می‌باشد و محلاً منصوب حساب می‌شود.

ج س ۳: ما بين زوال الشمس إلى غروبها وقت للظهر والعصر. وتختص الظهر من أوله بمقدار أدائها، وكذلك العصر من آخره، وما بينهما من الوقت مشترك. وكذا إذا غربت الشمس دخل وقت المغرب، وتختص من أوله بمقدار ثلاث ركعات، ثم تشاركها العشاء حتى ينتصف الليل للمختار وإلى طلوع الفجر للمضطر. وتختص العشاء من آخر الوقت بمقدار أربع ركعات. وما بين طلوع الفجر الثاني - المستطير في الأفق - إلى طلوع الشمس، وقت للصبح.

جواب سوال ۳: بین زوال خورشید و غروب آن، وقت نماز ظهر و عصر می‌باشد و زمان خاص نماز ظهر، در اول این زمان به اندازه‌ی یک نماز ظهر و زمان خاص نماز عصر به همین میزان از انتهای این وقت می‌باشد و بین این دو زمان، وقت مشترک هر دو نماز است. به همین ترتیب آنگاه که خورشید غروب کند، زمان نماز مغرب شروع می‌شود و زمان خاص آن به اندازه‌ی سه رکعت از ابتدای غروب خورشید است؛ سپس با نماز عشا مشترک می‌شود تا به نیمه شب برای مختار (برای فردی که برای ادای نماز، اختیار دارد) یا طلوع فجر برای مضطرب (برای فردی که ناچار شده است نماز را عقب بیندازد) برسد. زمان خاص نماز عشا به اندازه‌ی چهار رکعت از آخر این زمان

است. بین طلوع فجر دوم (که در افق دیده می‌شود) تا طلوع خورشید، وقت نماز صبح است.

ويعلم الزوال: بزيادة الظل بعد نقصانه، والغروب: باستتار القرص، وانتظار ذهاب الحمرة من المشرق أفضل لحصول الاطمئنان بسقوط القرص، وخير الأعمال الصلاة في أول وقتها، وصلاة العشاء الأفضل تأخيرها حتى ذهاب الحمرة المغربية، وصلاة العصر ساعة أو ساعتين عن زوال الشمس بحسب طول النهار وقصره.

زوال، به بلند شدن سایه پس از کوتاه شدن آن گفته می‌شود. غروب، به مخفی شدن قرص خورشید گفته می‌شود و انتظار کشیدن تا آنکه قرمزی مشرق برود، جهت اطمینان حاصل کردن از پایین رفتن قرص خورشید، بهتر است. بهترین اعمال، نماز در اول وقت آن است. نماز عشا، بهتر است تا محو شدن قرمزی مغرب، به تأخیر انداخته شود و نماز عصر با توجه به کوتاهی یا بلندی روز، بهتر است یک یا دو ساعت از زوال فاصله داشته باشد.

ووقت النوافل اليومية:

وقت نمازهای نافله‌ی روزانه:

للظهر: من حين الزوال إلى نصف ساعة.

نافله‌ی ظهر: از زوال به مدت نیم ساعت.

وللعصر: إلى ساعة ونصف أو ساعتين ونصف بحسب طول النهار فإن خرج الوقت وقد تلبس من النافلة ولو بركعة، زاحم بها الفريضة

مخففة. وإن لم يكن صلى شيئاً، بدأ بالفريضة ثم يأتي بالنافلة. ولا يجوز تقديمها على الزوال إلا يوم الجمعة. ويزاد في نافلتها أربع ركعات، اثنتان منها للزوال.

نافلهی عصر: با توجه به طول روز، یک ساعت و نیم یا دو ساعت و نیم (بعد از اذان ظهر) می باشد. اگر شروع به خواندن نافله کرد، و وقت نافله تمام شد، حتی اگر یک رکعت خوانده باشد، نافله را به کوتاه ترین شکل به اتمام برساند و بعد از آن نماز واجبش را اقامه کند، و اگر از نافله چیزی نخوانده بود، باید اول نماز واجب را بخواند و بعد از آن، نافله را به جا آورد. به جا آوردن نافلهی ظهر قبل از اذان ظهر جایز نیست، مگر در روز جمعه. به نافله های ظهر و عصر روز جمعه چهار رکعت افزوده می شود، که دو رکعت از آن هنگام اذان ظهر خوانده می شود.

نافلة المغرب: بعدها إلى ذهاب الحمرة المغربية بمقدار أداء الفريضة. فإن بلغ بذلك ولم يكن صلى النافلة أجمع، بدأ بالفريضة.

نافلهی مغرب: بعد از نماز مغرب است تا زمانی که به مقدار خواندن نماز عشا تا ناپدید شدن سرخی سمت مغرب، وقت باقی مانده باشد. اگر سرخی از بین رفت و فرد شروع به خواندن نافله نکرده بود، ابتدا باید نماز واجب را ادا کند.

وركعتان من جلوس بعد العشاء. ويمتد وقتها بامتداد وقت الفريضة وينبغي أن يجعلهما خاتمة نوافله.

نافلهی عشا: (وَتِيْرَه) دو رکعت است که بعد از نماز عشا و به حالت نشسته خوانده می شود، و وقتش تا آخر وقت نماز واجب (عشا) ادامه دارد، و نیکو است که این دو رکعت را پایان نافله هایش قرار دهد.

وصلاة الليل: بعد انتصافه. وكلما قرب من الفجر. كان أفضل. ولا يجوز تقديمها على الانتصاف، إلا لمسافر يصدده جده، أو شاب يمنعه رطوبة رأسه ([195])، وقضاؤها أفضل وآخر وقتها طلوع الفجر الثاني. فإن طلع ولم يكن تلبس منها بأربع، بدأ بركعتي الفجر قبل الفريضة حتى تطلع الحمرة المشرقية، فيشتغل بالفريضة. وإن كان قد تلبس بأربع، تممها مخففة ولو طلع الفجر. ووقت ركعتي الفجر بعد طلوع الفجر الأول. ويجوز أن يصليهما قبل ذلك. والأفضل إعادتهما بعده ويمتد وقتها حتى تطلع الحمرة، ثم تصير الفريضة أولى. ويجوز أن يقضي الفرائض الخمس في كل وقت، ما لم يتضيق وقت الفريضة الحاضرة، وكذا يصلي بقية الصلوات المفروضات، ويصلي النوافل ما لم يدخل وقت فريضة، وكذا قضاؤها.

نماز شب: از نیمه شب شروع می شود و هر چه به فجر نزدیک تر باشد، بهتر است. خواندن نماز شب قبل از نیمه شب جایز نیست، مگر برای مسافری که به دلیل حرکت در شب، نمی تواند آن را بعد از نیمه شب بخواند، یا جوانی که به دلیل خواب سنگین نتواند به موقع بیدار شود، گرچه قضای آن بهتر است. پایان وقت نماز نافله ی شب، اذان صبح است.

اگر اذان صبح شود و چهار رکعت از نماز شب را خوانده باشد، نمازهای نافله ی شب را به طور مختصر به پایان می رساند گرچه اذان صبح را گفته باشند، ولی اگر کمتر از چهار رکعت خوانده باشد و اذان صبح شده باشد نافله ی صبح و سپس نماز صبح را می خواند.

نافله ی صبح: وقت دو رکعت نافله ی صبح، بعد از طلوع فجر اول (کاذب) است، و قبل از طلوع فجر اول نیز خوانده می شود، ولی (اگر قبل از فجر اول خواند) تکرار آن مستحب است. وقت نافله ی صبح تا آغاز سرخی افق ادامه دارد، و بعد از آن، اولویت با نماز صبح است.

خواندن قضای نمازهای یومیّه و سایر نمازهای واجب، در هر زمان جایز است، به شرطی که باعث تنگی وقت نماز واجب کنونی نشود (این حکم در مورد سایر نمازهای واجب نیز برقرار میباشد). نافله‌ها و قضای نافله‌ها را نیز می‌تواند در هر زمانی بخواند، به شرطی که وقت نماز واجب داخل نشده باشد.

ج س ۴: ليس شرطاً في صحة الصلاة أن يكون السجود على التراب أو التربة الحسينية بالخصوص.

جواب سوال ۴: شرط درستی نماز، سجده بر ترتبت یا به خصوص، تربت حسینی، نیست.

لا يجوز السجود على ما ليس بأرض، كالجلود والصوف والشعر والوبر. ولا على ما هو من الأرض إذا كان معدناً، كالمح والعتيق والذهب والفضة والقيح إلا عند الضرورة. ولا على ما ينبت من الأرض، إذا كان مأكولاً كالخبز والفواكه، أو ملبوساً القطن والكتان. ولا يجوز السجود على الوحل، فإن اضطر أوماً، ويجوز السجود على القرطاس، ويكره إذا كان فيه كتابة، ولا يسجد على شيء من بدنه، فإن منعه الحر عن السجود على الأرض سجد على ثوبه، وإن لم يتمكن فعلى كفه. والذي ذكرناه، إنما يعتبر في موضع الجبهة خاصة، لا في بقية المساجد. ويراعي فيه: أن يكون مملوكاً، أو مأدوناً فيه، وأن يكون خالياً من النجاسة. وإذا كانت النجاسة في موضع محصور، كالبيت وشبهه، وجعل موضع النجاسة لم يسجد على شيء منه. ويجوز السجود في المواضع المتسعة دفعاً للمشقة.

سجده بر این موارد صحیح نیست: آنچه از زمین نیست، مانند پوست، پشم، مو و کرک، و آنچه از زمین است اما معدن به شمار میرود، مانند نمک، عقیق، طلا، نقره و قیر مگر در حال ضرورت، و همچنین چیزهایی که از زمین سبز میگردد و خوردنی

است، مانند نان و میوه‌ها، یا پوشیدنی باشد، مانند پنبه و کتان. و نیز سجده بر گل و لای و فضله‌ی حیوانات جایز نیست، و اگر مجبور باشد، باید اشاره کند. سجده بر کاغذ جایز است، ولی اگر داخلش نوشته داشته باشد، مکروه است. نباید نمازگزار بر بدن خود سجده کند، اما اگر به دلیل گرما نتواند بر زمین سجده کند، میتواند بر لباس خود سجده کند و اگر نتوانست، بر پشت دست خود سجده می‌کند.

آنچه گفته شد در مورد پیشانی است نه بقیه اعضای سجده (کف دستها و زانوها و نوک پاها).

محل سجده باید ملک شخص باشد یا اینکه اجازهی آن را داشته باشد، و نجس هم نباشد. اگر در مکان محدودی مانند خانه نجاستی باشد و مکان دقیق آن را نداند، سجده در هیچ جای آن جایز نیست، اما اگر در مکان بزرگی باشد، برای دفع سختی، سجده در آن جایز است.

ج س ۵: رؤیة الهلال المفروض أن يتبع فيها إمام الحق فتتوحد الناس على يوم واحد.

جواب سوال ۵: واجب است که امام حق به دنبال جست‌وجوی رویت هلال باشد و مردم همه بر روز واحدی، متفق شوند.

ج س ۶: يجوز الإفطار مع دخول وقت صلاة المغرب.

جواب سوال ۶: با داخل شدن به وقت نماز مغرب، می‌توان افطار کرد.

ج س ۷: الصلاة الوسطى هي الجمعة وولاية الذي يستدير عليه الفلك، أي الإمامة والهداية.

جواب سوال ۷: نماز وسطی، نماز جمعه است، و ولایتی می باشد که به واسطه ی آن
فلک می چرخد؛ یعنی امامت و هدایت.

ج س ۸: بالنسبة للزكاة والخمس وغيرها من العبادات قد تعرضت لها
بالتفصيل في كتاب شرائع الإسلام. والزكاة لها موارد تختلف عن الخمس
اقرئها هناك، وان احتجت توضيحاً أكثر إرسلني أسئلتك.

أحمد الحسن

جواب سوال ۸: در مورد زکات و خمس و غیر آنها از عبادت ها، به تفصیل در کتاب
«شرایع اسلام» (احکام نورانی اسلام) توضیح داده ام. موارد زکات غیر از خمس است
که آنها را برشمردم؛ اگر سوال بیشتری داشتی برایم بفرست.

احمد الحسن



[189] - المائدة: 6.

[190] - مائده: 6.

[191] - البقرة: 187.

[192] - بقره: 187.

[193] - البقرة: 238.

[194] - بقره: 238.

[195] - إشارة إلى الشاب الذي يمنعه من القيام في منتصف الليل ثقل النوم فيقدم صلاته.